



سیامک بهاری

## صلح با طالبان اعلام جنگ به مردم است

استراتژی ماندگاری آمریکا در افغانستان که تحت نام پروسه صلح و سازش با طالبان و پایان جنگ به خورد جهانیان و بویژه جامعه دردمند و زخم خورده افغانستان داده شده است، به مراحل فاجعه آمیزتری پا می‌گذارد. مصالحه آمریکا و طالبان در قطر، به تضمین نسبتاً پایدار عدم حمله به نیروهای نظامی و امنیتی آمریکا و متحدان آن انجامید. در عوض به خاک و خون کشیدن مردم افغانستان بیش از هر وقت دیگر تشدید گردید. طی مدت کوتاهی پس از توافقات قطر، حملات تروریستی آدم‌کشان طالب، در ابعاد بی‌سابقه‌ای از حمله به زایشگاه تا مدرسه و بازار و ناامن کردن جاده‌ها، آدم‌ربایی و باج‌گیری گسترش یافت تا برگ برنده بیشتری در آنچه مذاکرات بین‌افغانی خوانده می‌شود در اختیار طالبان باشد. شرط اول پذیرش مذاکره با حکومت، آزادی ۵ هزار تروریست آموزش دیده از زندان تعیین شد. اعضای دستگیر شده بیش از ۲۰ سازمان تروریستی از شبکه حقانی و لشکر طیبه و القاعده و جنبش اسلامی ازبکستان، ایغورهای ترکستان، تا حزب التحریر و لشکر جنگوی و شاخه خراسان و . . . که همگی زیر پرچم امارات اسلامی طالب جنایت آفریده‌اند و به جرم عملیات تروریستی، آدم‌ربایی، قتل، تجاوز، انفجار، معامله سنگین مواد مخدر در زندان بوده‌اند آزاد شدند و بسرعت شگرفی به پست‌های خود بازگشتند.

با آزاد سازی ۴۶۰۰ زندانی جنایت پیشه، خشم جامعه از این معامله کثیف بشدت برانگیخته شد. تمام کسانی که در کشتار مردم بی‌پناه افغانستان نقش درجه اول داشتند، رها شدند تا دوباره علیه مردم سازماندهی شوند. همان نقشه و روش و سازشی که با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار انجام شد و آزادی بیش از ۳ هزار جنایتکار جنگی او از زندان، شرط بازگشت از مخفیگاهش در پاکستان و قصر نشینی‌اش در کابل گردید، این بار در ابعادی بسیار بزرگتر، مصیبت‌بارتر، اسرارآمیزتر و بیش‌زمانه‌تر با حمایت

آمریکا و کل ارتجاع منطقه، تمهیدات برای بازگشت امارت اسلامی طالبان و سهم کردن آن در قدرت سیاسی در شرف انجام است.

حکومت افغانستان با نقشه‌ای از پیش طراحی شده با فراخوان دادن لویی جرگه مشورتی این همسویی آشکار با توافقات آمریکا و طالبان را به نام نمایندگان مردم، در ادامه سازش خفت‌بار و آزادسازی خطرناک‌ترین تروریست‌ها که از فرماندهان و سازمان‌دهندگان مستقیم جنایت علیه مردم افغانستان بودند، جا زد و شراکت رسمی با جانین طالب را پشت سر این مجمع پنهان کرد. در یک شیادی مهندسی شده از خود سلب مسئولیت کرد و همه بار این شرارت را بردوش لویی جرگه انداخت تا باج دهی به طالبان و آزاد سازی باقیمانده نیروهای آن از زندان را به نام "نمایندگان مردم" مشروعیت ببخشد.

حکومتی پوشالی، دست‌نشانده و بی‌اختیار، مشتی مرتجع و زورمندان محلی و سران قبایل و قوم‌پرستان و رؤسای احزاب جهادی و قلدرهای دست‌نشانده خود را به نام نمایندگان مردم گرد آورد. برای پوشاندن اهداف خود جمعی از فعالین مدنی و منتقدان را هم به این نشست دعوت کرد. در حالیکه از تأمین امنیت یک جمع کوچک حکومتی عاجز است، ۳ هزار نفر را با هزینه کلان ۳۳ میلیون دلاری در یک جا و به مدت چند روز جمع کرد و رأی گرفت که باقیمانده زندانیان طالب را برای انجام پروسه مذاکرات بین‌افغانی از زندان رها کند.

در روز اول شروع به کار لویی جرگه، توصیه نامه مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا بین همه شرکت‌کنندگان توزیع شد که تأکید بر آزادی همه زندانیان طالبان داشت، تا راه مذاکرات به اصطلاح بین‌افغانی هموار گردد. دستور کار و نتیجه تجمع لویی جرگه اینچنین از پیش معلوم شده بود. در جریان این نشست، بلقیس روشن نماینده پارلمان از فراه، علیه آزاد سازی زندانیان طالب و باج دهی به آنها دست به اعتراضی نمادین زد. او بسرعت مورد حمله قرار گرفت. این اعتراض بهانه‌ای شد تا رکیک‌ترین الفاظ از زن ستیزترین به اصطلاح نمایندگان از تریبون جرگه بیان شود که به خوبی چهره واقعی فرهنگ طالبانی-اسلامی ضد زن حاکم بر این نشست را به شکل بارزی نشان داد.

### حربه‌ای به نام مذاکرات بین‌افغانی

۱۹ سال جنگ و تروریسم سازمان‌یافته طالبان که از آب‌شخور پاکستان تا دستان پنهان آمریکا و روسیه و چین و عربستان و جمهوری اسلامی ایران و قطر و تمامی ارتجاع منطقه تغذیه شده است و کل بساط اسلام سیاسی و همه منابع اصلی تأمین آنها، که برای اقتدار اسلام سیاسی علیه بشریت و مردم افغانستان جنایت آفریده‌اند، با اشاره حامد کرزای رئیس‌جمهور، "برادران ناراضی" خوانده شدند. جنگ تروریسم اسلامی با مدنیت، با حق زن، با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برادر کشی خوانده شد.

کم هزینه کردن حضور و ماندن آمریکا و متحدین در منطقه و افغانستان، مطلوبیت بخشیدن به توحش اسلام سیاسی، مادام که اسلحه‌اش رو به نیروهای آمریکایی نباشد، حقیقت پنهان شده پشت عبارت مذاکره و صلح بین‌افغانی است. اینک طالبان در نقش متحد آمریکا در مذاکره با حکومت افغانستان از موضعی بالاتر برای سهم‌خواهی بیشتر و شراکت در قدرت حکومتی حضور خواهند داشت.

این مذاکرات و توافقات، حاصل رقابت و کشمکش نیروهای دخیل در جنگی است که بر سر مردم افغانستان آوار شده است. این ترفندی است که شرکای این جنگ بر سر آن به توافق رسیده‌اند. همه زرادخانه‌هایی که مهمات جنگی و امکانات سیاسی و ایدئولوژیک آن را فراهم ساخته‌اند، رهبران و فرماندهان آنرا گماشته‌اند، آنرا از مخفی‌گاه‌های وزیرستان پاکستان بیرون کشیدند و تا مرکز امارات اسلامی و دفتر سیاسی طالبان در قطر ارتقاء دادند. این شیادی و جنایت علیه بشریت را تحت عنوان

"صلح" و مذاکرات بین‌الافغانی، دارند به جامعه فقرزده و مصیبت دیده افغانستان حقه می‌کنند که در همه رُخدادها و در طول این تاریخ مالمال از شقاوت و بیرحمی، قربانی درجه اول آن بوده است. "ارگ" و "سپیدار"، نه مردم افغانستان، نه کارگران و نه حق زنان، نه میلیونها بیکار و گرسنه و بی‌خانمان و خیل آوران این کشور را نمایندگی نمی‌کنند. خود حکومت و همه اجزاء متعفن جهادی و تکنوکرات و وکیل و وزیر آن، ادامه سناریوی سیاهی هستند که قریب به چهار دهه است شیرازه جامعه را متلاشی کرده است.

مطلوبیت طالبان برای آمریکا و کل بورژوازی در پتانسیل فوق ارتجاعی و توحش بی بدیل آن برای منکوب کردن جامعه است! نیرویی که برای معامله و دست به دست شدن و خون پاشیدن به جامعه سازمان یافته است. هیچ تغییری در بنیادهای اعتقادی و ایدئولوژیک عمیقاً ارتجاعی و ضد بشری آن روی نداده است. همان توحش و بیرحمی و ضدیت نهادینه شده علیه آزادیهای اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه زن ستیزی بی بدیل آن، همچنان بر پرچم نقش بسته است. آنچه تغییر کرده است، استراتژی آمریکا و رقابت‌ها و تناسب قوای جدید در منطقه است.

همانگونه که مذاکره و توافقات آمریکا و طالبان ذره‌ای امنیت برای مردم افغانستان ایجاد نکرد، مذاکرات به اصطلاح بین‌الافغانی نیز به تبع آن دردی از جامعه دوا نخواهد کرد. صلح با طالبان نه پایان جنگ که آغاز یک دوران سیاه برای مردمانی است که چهارده اسیر دست جریانات تروریستی اسلامی از جهادی و طالب تا ارگ و سپیدار بوده‌اند.

دوره‌ای سهمگین و نبردی نابرابر پیش روی جامعه است. حفظ دستاوردهای ارزشمندی که با جان‌فشانی نسل امروز جامعه از زیر تیغ طالبان و مجاهدین و غیره بدست آمده است، در مقابل هجومی سخت قرار گرفته است. نسل امروز، از پا نخواهد نشست و با مواجهه رو در رو، با این خطر، گام‌های استوارتری برای به عقب راندن و شکست این توطئه‌ها بر خواهد داشت و جامعه را از سقوط در سرآشیب بربریت اسلام سیاسی نجات خواهد داد.